

رساله پولس رسول به

رومیان

یافته، نزد شما بیایم.^{۱۱} زیرا بسیار اشتیاق دارم که شما را ببینم تا نعمتی روحانی به شما برسانم که شما استوار بگردید،^{۱۲} یعنی تا در میان شما تسلی یابیم از ایمان یکدیگر، ایمان من و ایمان شما.^{۱۳} اما ای برادران، نمی‌خواهم که شما بی‌خبر باشید از اینکه مکرراً اراده آمدن نزد شما کردم و تا به حال ممنوع شدم تا ثمری حاصل کنم در میان شما نیز چنانکه در سایر امت‌ها.^{۱۴} زیرا که یونانیان و یزیریان و حکما و جهلا را هم مدیونم.^{۱۵} پس همچنین به قدر طاقت خود مستعدم که شما را نیز که در روم هستید بشارت دهم.^{۱۶} زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی،^{۱۷} که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود.

غضب خدا بر مردمان

^{۱۸} زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف می‌شود بر هر بی‌دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می‌دارند.^{۱۹} چونکه آنچه از خدا می‌توان شناخت، در ایشان ظاهر است زیرا خدا آن را بر ایشان ظاهر کرده است.^{۲۰} زیرا

پولس، غلام عیسی مسیح و رسول خوانده شده و جدا نموده شده برای انجیل خدا،^۲ که سابقاً وعده آن را داده بود به وساطت انبیای خود در کتب مقدسه،^۳ درباره پسر خود که به حسب جسم از نسل داود متولد شد،^۴ و به حسب روح قدوسیت، پسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان، یعنی خداوند ما عیسی مسیح،^۵ که به او فیض و رسالت را یافتیم برای اطاعت ایمان در جمیع امت‌ها به‌خاطر اسم او،^۶ که در میان ایشان شما نیز خوانده شده عیسی مسیح هستید،^۷ به همه که در روم محبوب خدا و خوانده شده و مقدسید،^۸ فیض و صلح از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد.

اشتیاق برای دیدار رومیان

^۸ اول شکر می‌کنم خدای خود را به وساطت عیسی مسیح درباره همگی شما که ایمان شما در تمام عالم شهرت یافته است؛^۹ زیرا خدایی که او را به روح خود در انجیل پسرش خدمت می‌کنم، مرا شاهد است که چگونه پیوسته شما را یاد می‌کنم،^{۱۰} و دائماً در دعاهای خود مسألت می‌کنم که شاید الآن آخر به اراده خدا سعادت

لافزنان و مبتکران شرارت و نامطیعان والدین؛
 ۳۱ بی فهم و بی وفا و بی الفت و بی رحم. ۳۲ زیرا
 هر چند انصاف خدا را می دانند که کنندگان
 چنین کارها مستوجب مرگ هستند، نه فقط آنها
 را می کنند بلکه کنندگان را نیز خوش می دارند.

حکم برحق خدا بر یهود و غیر یهود

۲ بنابراین ای آدمی که حکم می کنی، هر
 که باشی عذری نداری زیرا که به آنچه
 بر دیگری حکم می کنی، فتوا بر خود می دهی،
 زیرا تو که حکم می کنی، همان کارها را به عمل
 می آوری. ۲ و می دانیم که حکم خدا بر کنندگان
 چنین اعمال برحق است. ۳ پس ای آدمی که بر
 کنندگان چنین اعمال حکم می کنی و خود همان
 را می کنی، آیا گمان می ببری که تو از حکم خدا
 خواهی رست؟ ۴ یا آنکه دولت مهربانی و صبر
 و بردباری او را ناچیز می شماری و نمی دانی که
 مهربانی خدا تو را به توبه می کشد؟ ۵ و به سبب
 قساوت و دل ناتوبه کار خود، غضب را ذخیره
 می کنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری
 عادلۀ خدا^۶ که به هر کس برحسب اعمالش جزا
 خواهد داد: ۷ اما به آنانی که با صبر در اعمال
 نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات
 جاودانی را؛^۸ و اما به اهل تعصب که اطاعت
 راستی نمی کنند بلکه مطیع ناراستی می باشند،
 خشم و غضب^۹ و عذاب و کاستی بر هر نفس
 بشری که مرتکب بدی می شود، اول بر یهود و
 پس بر یونانی؛^{۱۰} اما جلال و اکرام و صلح بر هر
 نیکوکار، نخست بر یهود و بر یونانی نیز.
 ۱۱ زیرا نزد خدا طرفداری نیست، ۱۲ زیرا

که چیزهای نادیده او، یعنی قوت سزّمدی و
 الوهیتش از حین آفرینش عالم به وسیله کارهای
 او فهمیده و دیده می شود تا ایشان را عذری
 نباشد. ۲۱ زیرا هر چند خدا را شناختند، ولی
 او را چون خدا تمجید و شکر نکردند بلکه در
 خیالات خود باطل گردیده، دل بی فهم ایشان
 تاریک گشت. ۲۲ ادعای حکمت می کردند و
 احمق گردیدند. ۲۳ و جلال خدای غیر فانی
 را به شبیه صورت انسان فانی و طیور و چهار
 پایان و حشرات تبدیل نمودند. ۲۴ بنابراین خدا
 نیز ایشان را در شهوات دل خودشان به ناپاکی
 تسلیم فرمود تا در میان خود بدنهای خویش را
 خوار سازند، ۲۵ که ایشان حقّ خدا را به دروغ
 مبدّل کردند و عبادت و خدمت نمودند مخلوق
 را به عوض خالقی که تا ابدالآباد مبارک است.
 آمین.

۲۶ از این سبب خدا ایشان را به هوسهای
 خبثت تسلیم نمود، به نوعی که زانوشان نیز
 عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است
 تبدیل نمودند. ۲۷ و همچنین مردان هم استعمال
 طبیعی زنان را ترک کرده، از شهوات خود با
 یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال
 زشت شده، عقوبت سزاوار تقصیر خود را در
 خود یافتند. ۲۸ و چون روا نداشتند که خدا را
 در دانش خود نگاه دارند، خدا ایشان را به ذهن
 مردود و گذاشت تا کارهای ناشایسته به جا
 آورند. ۲۹ مملو از هر نوع ناراستی و شرارت و
 طمع و خبثت؛ پُر از حسد و قتل و جدال و مکر
 و بدخویی، غیبت کنندگان؛^{۳۰} تهمت زندگان
 و دشمنان خدا و اهانت کنندگان و متکبران و

می‌گویند، چنانکه مکتوب است. ۲۵ زیرا ختنه سودمند است هرگاه به شریعت عمل نمایی. اما اگر از شریعت تجاوز نمایی، ختنه تو نامختونی گشته است. ۲۶ پس اگر نامختونی، احکام شریعت را نگاه دارد، آیا نامختونی او ختنه شمرده نمی‌شود؟ ۲۷ و نامختونی طبیعی هرگاه شریعت را به جا آرد، حکم خواهد کرد بر تو که با وجود کتب و ختنه از شریعت تجاوز می‌کنی. ۲۸ زیرا آنکه در ظاهر است، یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم است، ختنه نی. ۲۹ بلکه یهود آن است که در باطن باشد و ختنه آنکه قلبی باشد، در روح نه در حرف که مدح آن نه از انسان بلکه از خداست.

پس برتری یهودیان چیست

۳ پس برتری یهود چیست؟ و یا از ختنه چه فایده؟ ۲ بسیار از هر جهت؛ اول آنکه بدیشان کلام خدا امانت داده شده است. ۳ زیرا که چه بگوییم اگر بعضی ایمان نداشتند؟ آیا بی‌ایمانی ایشان امانت خدا را باطل می‌سازد؟ ۴ حاشا! بلکه خدا راستگو باشد و هر انسان دروغگو، چنانکه مکتوب است: «تا اینکه در سخنان خود مُصدَّق شوی و در داوری خود غالب آیی.»

۵ اما اگر ناراستی ما عدالت خدا را ثابت می‌کند، چه بگوییم؟ آیا خدا ظالم است وقتی که غضب می‌نماید؟ بطور انسان سخن می‌گوییم. ۶ حاشا! در این صورت خدا چگونه عالم را داوری خواهد کرد؟ ۷ زیرا اگر به دروغ من، راستی خدا برای جلال او افزون شود، پس

آنانی که بدون شریعت گناه کنند، بی‌شریعت نیز هلاک شوند و آنانى که با شریعت گناه کنند، از شریعت بر ایشان حکم خواهد شد. ۱۳ از آن جهت که شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه کنندگان شریعت عادل شمرده خواهند شد. ۱۴ زیرا هرگاه امت‌هایی که شریعت ندارند کارهای شریعت را به طبیعت به جا آرند، اینان هرچند شریعت ندارند، برای خود شریعت هستند. ۱۵ چونکه از ایشان ظاهر می‌شود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر ایشان نیز گواهی می‌دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا نکوهش می‌کنند یا عذر می‌آورند، ۱۶ در روزی که خدا رازهای مردم را داوری خواهد نمود به وساطت عیسی مسیح برحسب بشارت من.

۱۷ پس اگر تو مُسمّی به یهود هستی و بر شریعت تکیه می‌کنی و به خدا فخر می‌نمایی، ۱۸ اراده او را می‌دانی و از شریعت تربیت یافته، چیزهای برتر را می‌گزینی، ۱۹ و یقین داری که خود هادی کوران و نور ظلمتیان ۲۰ و تادیب‌کننده جاهلان و معلّم اطفال هستی و در شریعت صورت معرفت و راستی را داری، ۲۱ پس ای کسی که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا خود را نمی‌آموزی؟ و وعظ می‌کنی که دزدی نباید کرد، آیا خود دزدی می‌کنی؟ ۲۲ و از زنا کردن نهی می‌کنی، آیا خود زانی نیستی؟ و از بهت‌ها نفرت داری، آیا خود معبدها را غارت نمی‌کنی؟ ۲۳ و به شریعت فخر می‌کنی، آیا به تجاوز از شریعت خدا را اهانت نمی‌کنی؟ ۲۴ زیرا که به سبب شما در میان امت‌ها اسم خدا را کفر

ظاهر شده است، چنانکه تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛^{۲۲} یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند. زیرا که هیچ تفاوتی نیست،^{۲۳} زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند،^{۲۴} و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است.^{۲۵} که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمّل خدا،^{۲۶} برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد.

^{۲۷} پس جای فخر کجا است؟ برداشته شده است! به کدام شریعت؟ آیا به شریعت اعمال؟ نی بلکه به شریعت ایمان.^{۲۸} زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود.^{۲۹} آیا او خدای یهود است فقط؟ مگر خدای امت‌ها هم نیست؟ البتّه خدای امت‌ها نیز است.^{۳۰} زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان، و نامختونان را به ایمان عادل خواهد شمرد.^{۳۱} پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا! بلکه شریعت را استوار می‌داریم.

ابراهیم به ایمان عادل شمرده شد

۴ پس چه چیز را بگوئیم که پدر ما ابراهیم به حسب جسم یافت؟^۲ زیرا اگر ابراهیم به اعمال عادل شمرده شد، جای فخر

چرا بر من نیز چون گناهکار حکم شود؟^۸ و چرا نگوئیم، چنانکه بعضی بر ما افترا می‌زنند و گمان می‌برند که ما چنین می‌گوییم، بدی بکنیم تا نیکویی حاصل شود؟ که محکومیت ایشان به انصاف است.

همه به گناه گرفتارند

^۹ پس چه گوئیم؟ آیا برتری داریم؟ نه به هیچ وجه! زیرا پیش ادّعا وارد آوردیم که یهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند.^{۱۰} چنانکه مکتوب است که «کسی عادل نیست، یکی هم نی.»^{۱۱} کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست.^{۱۲} همه گمراه و جمیعاً باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی.^{۱۳} گلوی ایشان گور گشاده است و به زبانهای خود فریب می‌دهند. زهر مار در زیر لب ایشان است،^{۱۴} و دهان ایشان پر از لعنت و تلخی است.^{۱۵} پایهای ایشان برای خون ریختن شتابان است.^{۱۶} هلاکت و پریشانی در طریق‌های ایشان است،^{۱۷} و طریق صلح را ندانسته‌اند.^{۱۸} خدا ترسی در چشمانشان نیست.»

^{۱۹} الآن آگاه هستیم که آنچه شریعت می‌گوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر محکومیت خدا آیند.^{۲۰} از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است.

عدالت به وسیله ایمان برای همه

^{۲۱} اما اکنون بدون شریعت، عدالت خدا

باطل. ۱۵ زیرا که شریعت باعث غضب است، زیرا جایی که شریعت نیست تجاوز هم نیست. ۱۶ و از این جهت از ایمان شد تا محض فیض باشد تا وعده برای همگی نسل استوار شود نه مختص به نسل شرعی بلکه به نسل ایمانی ابراهیم نیز که پدر جمیع ما است، ۱۷ [چنانکه مکتوب است که تو را پدر اَمت‌های بسیار ساخته‌ام]، در حضور آن خدایی که به او ایمان آورد که مردگان را زنده می‌کند و ناموجودات را به وجود می‌خواند؛ ۱۸ که او در ناامیدی به امید ایمان آورد تا پدر اَمت‌های بسیار شود، برحسب آنچه گفته شد که «نسل تو چنین خواهند بود.» ۱۹ و در ایمان کم قوت نشده، نظر کرد به بدن خود که در آن وقت مرده بود، چونکه قریب به صد ساله بود و به رَحِم مرده ساره. ۲۰ و در وعده خدا از بی‌ایمانی شک نمود، بلکه قوی‌الایمان گشته، خدا را تمجید نمود، ۲۱ و یقین دانست که به وفای وعده خود نیز قادر است. ۲۲ و از این جهت برای او عدالت محسوب شد. ۲۳ و اما اینکه برای وی محسوب شد، نه برای او فقط نوشته شد، ۲۴ بلکه برای ما نیز که به ما محسوب خواهد شد، چون ایمان آوریم به او که خداوند ما عیسی را از مردگان برخیزانید، ۲۵ که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد.

صلح نزد خدا

پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، ۵ نزد خدا صلح داریم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح، ۲ که به وساطت او

دارد امانه در نزد خدا. ۳ زیرا کتاب چه می‌گوید؟ «ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد.»

۴ اما برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود. ۵ و اما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود. ۶ چنانکه داود نیز خوشحالی آن کس را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال: ۷ «برکت می‌گیرند کسانی که خطایای ایشان آبرزیده شد و گناهانشان مستور گردید؛ ۸ برکت می‌گیرد کسی که خداوند گناه را به وی محسوب نفرماید.»

۹ پس آیا این خوشحالی بر اهل ختنه گفته شد یا برای نامختونان نیز؟ زیرا می‌گوییم ایمان ابراهیم به عدالت محسوب گشت. ۱۰ پس در چه حالت محسوب شد، وقتی که او در ختنه بود یا در نامختونی؟ در ختنه نی، بلکه در نامختونی؛ ۱۱ و علامت ختنه را یافت تا مُهر باشد بر آن عدالت ایمانی که در نامختونی داشت، تا او همه نامختونان را که ایمان آورند پدر باشد تا عدالت برای ایشان هم محسوب شود؛ ۱۲ و پدر اهل ختنه نیز، یعنی آنانی را که نه فقط مختونند بلکه سالک هم می‌باشند بر آثار ایمانی که پدر ما ابراهیم در نامختونی داشت.

۱۳ زیرا به ابراهیم و نسل او، وعده‌ای که او وارث جهان خواهد بود، از جهت شریعت داده نشد بلکه از عدالت ایمان. ۱۴ زیرا اگر اهل شریعت وارث باشند، ایمان بیهوده شد و وعده

جایی که شریعت نیست.^{۱۴} بلکه از آدم تا موسی مرگ تسلط می‌داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم که نمونه آن آینده است، گناه نکرده بودند.^{۱۵} و نه چنانکه خطا بود، همچنان نعمت نیز باشد. زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردند، چقدر زیاده فیض خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح است، برای بسیاری افزون گردید.^{۱۶} و نه اینکه مثل آنچه از یک گناهکار سر زد، همچنان بخشش باشد؛ زیرا حکم شد از یک برای محکومیت اما نعمت از خطای بسیار برای عدالت رسید.^{۱۷} زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک مرگ سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد به وسیله یک، یعنی عیسی مسیح.

^{۱۸} پس همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای محکومیت، همچنین به یک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات.^{۱۹} زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید.^{۲۰} اما شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود. اما جایی که گناه زیاده گشت، فیض بی‌نهایت افزون گردید.^{۲۱} تا آنکه چنانکه گناه در مرگ سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید به عدالت برای حیات جاودانی به وساطت خداوند ما عیسی مسیح.

دخول نیز یافته‌ایم به وسیله ایمان در آن فیضی که در آن پایداریم و به امید جلال خدا فخر می‌نماییم.^۳ و نه این تنها بلکه در مصیبتها هم فخر می‌کنیم، چونکه می‌دانیم که مصیبت صبر را پیدا می‌کند،^۴ و صبر امتحان را و امتحان امید را.^۵ و امید باعث شرمساری نمی‌شود زیرا که محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است.^۶ زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین، مسیح برای بی‌دینان وفات یافت.^۷ زیرا بعید است که برای شخص عادل کسی بمیرد، هر چند در راه مرد نیکو ممکن است کسی نیز جرات کند که بمیرد.^۸ اما خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.^۹ پس چقدر بیشتر الآن که به خون او عادل شمرده شدیم، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت.^{۱۰} زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن به وساطت حیات او نجات خواهیم یافت.^{۱۱} و نه همین فقط بلکه در خدا هم فخر می‌کنیم به وسیله خداوند ما عیسی مسیح که به وساطت او الآن صلح یافته‌ایم.

خطای آدم و فیض مسیح

^{۱۲} بنابراین همچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به اینگونه مرگ بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند.^{۱۳} زیرا قبل از شریعت، گناه در جهان می‌بود، اما گناه محسوب نمی‌شود در

مرده برای گناه زنده برای خدا

۶ پس چه گوئیم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیض افزون گردد؟^۲ حاشا! مایانی که از گناه مردیم، چگونه دیگر در آن زیست کنیم؟^۳ یا نمی دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟^۴ پس چونکه در مرگ او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم.^۵ زیرا اگر بر مثال مرگ او متحد گشتیم، به راستی در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد.^۶ زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم.^۷ زیرا هر که مُرد، از گناه میرا شده است.^۸ پس هرگاه با مسیح مردیم، یقین می دانیم که با او زیست هم خواهیم کرد.^۹ زیرا می دانیم که چون مسیح از مردگان برخاست، دیگر نمی میرد و بعد از این مرگ بر او تسلطی ندارد.^{۱۰} زیرا به آنچه مرد یک مرتبه برای گناه مرد و به آنچه زندگی می کند، برای خدا زیست می کند.^{۱۱} همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده.

۱۲ پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید،^{۱۳} و اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند.^{۱۴} زیرا گناه بر شما سلطنت نخواهد کرد، چونکه زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض.

۱۵ پس چه گوئیم؟ آیا گناه بکنیم از آنرو که زیر شریعت نیستیم بلکه زیر فیض؟ حاشا! آیا نمی دانید که اگر خویشتن را به بندگی کسی تسلیم کرده، او را اطاعت نمایید، شما آنکس را که او را اطاعت می کنید بنده هستید، خواه گناه را برای مرگ، خواه اطاعت را برای عدالت.^{۱۷} اما شکر خدا را که هر چند غلامان گناه می بودید، اما الآن از دل، مطیع آن تعلیمی گردیده اید که به آن سپرده شده اید.^{۱۸} و از گناه آزاد شده، غلامان عدالت گشته اید.^{۱۹} بطور انسان، به سبب ضعف جسم شما سخن می گویم، زیرا همچنان که اعضای خود را به بندگی نجاست و گناه برای گناه سپردید، همچنین الآن نیز اعضای خود را به بندگی عدالت برای قدّوسیت بسپارید.^{۲۰} زیرا هنگامی که غلامان گناه می بودید از عدالت آزاد می بودید.^{۲۱} پس آن وقت چه ثمر داشتید از آن کارهایی که الآن از آنها شرم منده اید که انجام آنها مرگ است؟^{۲۲} اما اکنون چونکه از گناه آزاد شده و غلامان خدا گشته اید، ثمر خود را برای قدّوسیت می آورید که عاقبت آن، حیات جاودانی است.^{۲۳} زیرا که مزد گناه مرگ است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح.

تشبیه به ازدواج

۷ ای برادران آیا نمی دانید [زیرا که با عارفین شریعت سخن می گویم] که مادامی که انسان زنده است، شریعت بر وی حکمرانی دارد؟^۲ زیرا زن منکوحه بر حسب شریعت به شوهر زنده بسته است، اما هرگاه

شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود. پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، زناکار خوانده می‌شود. اما هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است که اگر به شوهری دیگر داده شود، زناکار نباشد.

^۴ بنابراین، ای برادران من، شما نیز به وساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا برای خدا ثمر آوریم.^۵ زیرا وقتی که در جسم بودیم، هوس‌های گناهانی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل می‌کرد تا برای مرگ ثمر آوریم.^۶ اما اکنون چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مُردیم، از شریعت آزاد شدیم، به حدی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف.

کشمکش با گناه

^۷ پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی‌دانستم، اگر شریعت نمی‌گفت که، طمع مورز.^۸ اما گناه از حکم فرصت‌جسته، هر قسم طمع را در من پدید آورد، زیرا بدون شریعت گناه مرده است.^۹ و من از قبل بدون شریعت زنده می‌بودم؛ اما چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم.^{۱۰} و آن حکمی که برای حیات بود، همان مرا باعث مرگ گردید.^{۱۱} زیرا گناه از حکم فرصت یافته، مرا فریب داد و به آن مرا گشت.

^{۱۲} خلاصه شریعت مقدّس است و حکم مقدّس و عادل و نیکو.^{۱۳} پس آیا نیکویی برای

من مرگ گردید؟ حاشا! بلکه گناه، تا گناه بودنش ظاهر شود. به وسیله نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گناه به سبب حکم به غایت خبیث شود.^{۱۴} زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، اما من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم،^{۱۵} که آنچه می‌کنم نمی‌دانم زیرا آنچه می‌خواهم نمی‌کنم بلکه کاری را که از آن نفرت دارم به جا می‌آورم.^{۱۶} پس هرگاه کاری را که نمی‌خواهم به جا می‌آورم، شریعت را تصدیق می‌کنم که نیکوست.^{۱۷} و اکنون من دیگر فاعل آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است.^{۱۸} زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسد هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده نیکویی کردن در من حاضر است اما توانایی آن خیر.^{۱۹} زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم.^{۲۰} پس چون آنچه را نمی‌خواهم می‌کنم، من دیگر فاعل آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است.

^{۲۱} بنابراین این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است.^{۲۲} زیرا برحسب انسانیّت باطنی به شریعت خدا خشنودم.^{۲۳} اما شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعت ذهن من منازعه می‌کند و مرا اسیر می‌سازد به آن شریعت گناه که در اعضای من است.^{۲۴} وای بر من که مرد تیره‌بختی هستم! کیست که مرا از جسم این مرگ‌رهایی بخشد؟^{۲۵} خدا را شکر می‌کنم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را.

زندگی برحسب روح و نتایج آن

پس هیچ محکومیتی نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند.^۲ زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و مرگ آزاد گردانید.^۳ زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه به سبب جسم ضعیف بود، خدا پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد،^۴ تا عدالت شریعت کامل گردد در مایانی که نه به حسب جسم بلکه برحسب روح رفتار می کنیم.^۵ زیرا آنانی که برحسب جسم هستند، در چیزهای جسم تفکر می کنند و اما آنانی که برحسب روح هستند در چیزهای روح.^۶ از آن جهت که تفکر جسم، مرگ است، اما تفکر روح حیات و صلح است.^۷ زانرو که تفکر جسم دشمنی خدا است، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی کند، زیرا نمی تواند هم بکند.^۸ و کسانی که جسمانی هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.^۹ اما شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست.^{۱۰} و اگر مسیح در شما است، جسم به سبب گناه مرده است و اما روح، به سبب عدالت، حیات است.^{۱۱} و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است.

^{۱۲} بنابراین ای برادران، مدیون جسم نیستیم تا برحسب جسم زیست نماییم.^{۱۳} زیرا اگر

برحسب جسم زیست کنید، به راستی خواهید مرد. اما اگر افعال بدن را به وسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست.^{۱۴} زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خداوند.^{۱۵} از آنرو که روح بندگی را نیافته اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته اید، که به آن آبا، یعنی ای پدر ندا می کنیم.^{۱۶} همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم.^{۱۷} و هرگاه فرزندانیم، وارثان هم هستیم، یعنی ورثه خدا و هم ارث با مسیح، اگر شریک مصیبت های او هستیم تا در جلال وی نیز شریک باشیم.

^{۱۸} زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است.^{۱۹} زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می باشد،^{۲۰} زیرا خلقت، مطیع بطالت شد، نه به اراده خود، بلکه به خاطر او که آن را مطیع گردانید،^{۲۱} در امید که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود.^{۲۲} زیرا می دانیم که تمام خلقت تا الآن با هم در آه کشیدن و درد زه می باشند.^{۲۳} و نه این فقط، بلکه ما نیز که نویر روح را یافته ایم، در خود آه می کشیم در انتظار پسر خواندگی، یعنی خلاصی جسم خود.^{۲۴} زیرا که به امید نجات یافتیم، اما چون امید دیده شد، دیگر امید نیست، زیرا آنچه کسی بیند چرا دیگر در امید آن باشد؟^{۲۵} اما اگر امید چیزی را داریم که نمی بینیم، با صبر انتظار آن می کشیم.

^{۲۶} و همچینین روح نیز ضعف ما را مدد

یقین می‌دانم که نه مرگ و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده^{۳۹} و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد.

چگونگی برگزیده شدن قوم اسرائیل

۹ در مسیح راست می‌گویم و دروغ نی و ضمیر من در روح القدس مرا شاهد است،^۲ که مرا غمی عظیم و در دلم رنج دائمی است.^۳ زیرا راضی هم می‌بودم که خود از مسیح محروم شوم در راه برادرانم که به حسب جسم خویشان منند،^۴ که ایشان اسرائیلی‌اند و پسرخواندگی و جلال و عهدها و امانت شریعت و عبادت و وعده‌ها از آن ایشان است؛^۵ که پدران از آن ایشانند و از ایشان مسیح به حسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابدآباد، آمین.

۶ و اما چنین نیست که کلام خدا ساقط شده باشد؛ زیرا همه که از اسرائیل‌اند، اسرائیلی نیستند،^۷ و نه نسل ابراهیم تماماً فرزند هستند؛ بلکه «نسل تو در اسحاق خوانده خواهند شد.»^۸ یعنی فرزندان جسم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فرزندان وعده از نسل محسوب می‌شوند.^۹ زیرا کلام وعده این است که موافق چنین وقت خواهیم آمد و سارا را پسری خواهد بود.^{۱۰} و نه این فقط، بلکه رفقه نیز چون از یک شخص، یعنی از پدر ما اسحاق حامله شد،^{۱۱} زیرا هنگامی که هنوز تولد نیافته بودند و عملی نیک

می‌کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می‌باید نمی‌دانیم، اما خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد.^{۲۷} و او که تفحص کننده دلهاست، فکر روح را می‌داند زیرا که او برای مقدسین بر حسب اراده خدا شفاعت می‌کند.^{۲۸} و می‌دانیم که برای آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت [ایشان] با هم در کار می‌باشند.^{۲۹} زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد.^{۳۰} و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد.

۳۱ پس به این چیزها چه گوئیم؟ هرگاه خدا با ما است کیست به ضد ما؟^{۳۲} او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟^{۳۳} کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود؟ آیا خدا که عادل کننده است؟^{۳۴} کیست که بر ایشان فتوا دهد؟ آیا مسیح که مُرد بلکه نیز برخاست، آنکه به دست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت می‌کند؟^{۳۵} کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا دلتنگی یا جفا یا قحط یا عربانی یا خطر یا شمشیر؟^{۳۶} چنانکه مکتوب است که «به خاطر تو تمام روز کُشته و مثل گوسفندان ذبحی شمرده می‌شویم.»^{۳۷} بلکه در همه این امور از حدّ زیاده نصرت یافتیم، به وسیله او که ما را محبت نمود.^{۳۸} زیرا

یا بد نکرده، تا اراده خدا برحسب اختیار ثابت شود نه از اعمال بلکه از دعوت کننده^{۱۲} بدو گفته شد که «بزرگتر کوچکتر را بندگی خواهد نمود.»^{۱۳} چنانکه مکتوب است: «یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن.»

۱۴ پس چه گوییم؟ آیا نزد خدا بی انصافی است؟ حاشا!^{۱۵} زیرا به موسی می گوید: «رحم خواهم فرمود بر هر که رحم کنم و رأفت خواهم نمود بر هر که رأفت نمایم.»^{۱۶} لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم کننده.^{۱۷} زیرا کتاب به فرعون می گوید: «برای همین تو را برانگیختم تا قوت خود را در تو ظاهر سازم و تا نام من در تمام جهان ندا شود.»^{۱۸} بنابراین هر که را می خواهد رحم می کند و هر که را می خواهد سنگدل می سازد.^{۱۹} پس مرا می گویی: «دیگر چرا ملامت می کند؟ زیرا کیست که با اراده او مقاومت نموده باشد؟»^{۲۰} نی بلکه تو کیستی ای انسان که به خدا اعتراض می کنی؟ آیا مصنوع به صانع می گوید که چرا مرا چنین ساختی؟^{۲۱} یا کوزه گر اختیار بر گل ندارد که از یک خمیره ظرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد؟^{۲۲} و اگر خدا چون اراده نمود که غضب خود را ظاهر سازد و قدرت خویش را بشناساند، ظروف غضب را که برای هلاکت آماده شده بود، به بردباری بسیار متحمل گردید،^{۲۳} و تا دولت جلال خود را بشناساند بر ظروف رحمتی که آنها را از قبل برای جلال مستعد نمود،^{۲۴} و آنها را نیز دعوت فرمود، یعنی ما نه از یهود فقط بلکه از امت ها نیز.^{۲۵} چنانکه در هوشع هم می گوید: «آنانی را

که قوم من نبودند، قوم خود خواهم خواند و او را که دوست نداشتم محبوبه خود.^{۲۶} و جایی که به ایشان گفته شد که شما قوم من نیستید، در آنجا پسران خدای حی خوانده خواهند شد.»^{۲۷} و اشعیا نیز در حق اسرائیل ندا می کند که «هر چند عدد بنی اسرائیل مانند ریگ دریا باشد، اما بقیه نجات خواهند یافت؛^{۲۸} زیرا خداوند کلام خود را تمام و منقطع ساخته، بر زمین به عمل خواهد آورد.»^{۲۹} و چنانکه اشعیا پیش اخبار نمود که «اگر خدای لشکرها برای ما نسلی نمی گذارد، به راستی مثل سدوم می شدیم و مانند عموره می گشتیم.»

بی ایمانی اسرائیل

۳۰ پس چه گوییم؟ امت هایی که در پی عدالت نرفتند، عدالت را حاصل نمودند، یعنی عدالتی که از ایمان است.^{۳۱} اما اسرائیل که در پی شریعت عدالت می رفتند، به شریعت عدالت نرسیدند.^{۳۲} از چه سبب؟ از این جهت که نه از راه ایمان بلکه از راه اعمال شریعت آن را طلبیدند، زیرا که به سنگ مصادم لغزش خوردند.^{۳۳} چنانکه مکتوب است که، «اینک، در صهیون سنگی مصادم و صخره لغزش می نهم و هر که بر او ایمان آورد، خجل نخواهد گردید.» ای برادران خوشی دل من و دعای من نزد خدا برای اسرائیل برای نجات ایشان است.^۳ زیرا برای ایشان شهادت می دهم که برای خدا غیرت دارند اما نه از روی معرفت.^۳ زیرا که چون عدالت خدا را نشناخته، می خواستند عدالت خود را ثابت کنند، مطیع عدالت خدا نگشتند.^۴ زیرا که مسیح است

است و شنیدن از کلام خدا. ۱۸ اما می گویم آیا نشنیدند؟ البته شنیدند: «صوت ایشان در تمام جهان منتشر گردید و کلام ایشان تا اقصای ربع مسکون رسید.» ۱۹ و می گویم آیا اسرائیل ندانسته اند؟ اول موسی می گوید: «من شما را به غیرت می آورم به آن که اتمی نیست و بر قوم بی فهم شما را خشمگین خواهم ساخت.» ۲۰ و اشعیا نیز جرأت کرده، می گوید: «آنانی که طالب من نبودند مرا یافتند و به کسانی که مرا نطلبیدند ظاهر گردیدم.» ۲۱ اما در حق اسرائیل می گوید: «تمام روز دستهای خود را دراز کردم به سوی قومی نامطمیع و مخالف.»

آتیه بنی اسرائیل

پس می گویم آیا خدا قوم خود را رد کرد؟ حاشا! زیرا که من نیز اسرائیلی از اولاد ابراهیم از سبط بنیامین هستم. ۲ خدا قوم خود را که از قبل شناخته بود، رد نفرموده است. آیا نمی دانید که کتاب در الیاس چه می گوید، چگونه بر علیه اسرائیل به خدا التماس می کند ۳ که «خداوند انبیای تو را کشته و مذبح های تو را کنده اند و من به تنهایی مانده ام و در قصد جان من نیز می باشند؟» ۴ اما وَحی بدو چه می گوید؟ اینکه «هفت هزار مرد برای خود نگاه داشتیم که به نزد بعل زانو زده اند.» ۵ پس همچنین در زمان حاضر نیز بقیّتی به حسب اختیار فیض مانده است. ۶ و اگر از راه فیض است دیگر از اعمال نیست و گرنه فیض دیگر فیض نیست. اما اگر از اعمال است دیگر از فیض نیست والا عمل دیگر عمل نیست.

انجام شریعت برای عدالت برای هر کس که ایمان آورد.

۵ زیرا موسی عدالت شریعت را بیان می کند که هر که به این عمل کند، در این خواهد زیست. ۶ اما عدالت ایمان بدینطور سخن می گوید که «در خاطر خود مگو کیست که به آسمان صعود کند، یعنی تا مسیح را فرود آورد، ۷ یا کیست که به هاویه نزول کند، یعنی تا مسیح را از مردگان برآورد.» ۸ اما چه می گوید؟ اینکه «کلام نزد تو و در دهانت و در قلب تو است، یعنی این کلام ایمان که به آن وعظ می کنیم.» ۹ زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. ۱۰ چونکه به دل ایمان آورده می شود برای عدالت و به زبان اعتراف می شود برای نجات. ۱۱ و کتاب می گوید: «هر که به او ایمان آورد خجل نخواهد شد.» ۱۲ زیرا که در یهود و یونانی تفاوتی نیست که همان خداوند، خداوند همه است و دولت مند است برای همه که نام او را می خوانند. ۱۳ زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت.

۱۴ پس چگونه بخواند کسی را که به او ایمان نیاورده اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟ ۱۵ و چگونه وعظ کنند جز اینکه فرستاده شوند؟ چنانکه مکتوب است که «چه زیبا است پایهای آنانی که به صلح بشارت می دهند و به چیزهای نیکو مژده می دهند.» ۱۶ اما همه بشارت را گوش نگرفتند زیرا اشعیا می گوید «خداوند کیست که اخبار ما را باور کرد؟» ۱۷ بنابراین ایمان از شنیدن

پایدار هستی. مغرور مباش بلکه بترس! ۲۱ زیرا اگر خدا بر شاخه‌های طبیعی شفقت نفرمود، بر تو نیز شفقت نخواهد کرد. ۲۲ پس مهربانی و سختی خدا را ملاحظه نما؛ اما سختی بر آنانی که افتادند، اما مهربانی بر تو اگر در مهربانی ثابت باشی و الاً تو نیز بریده خواهی شد. ۲۳ و اگر ایشان نیز در بی‌ایمانی نمانند باز پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است که ایشان را بار دیگر بپیوندد. ۲۴ زیرا اگر تو از زیتون طبیعی وحشی بریده شده، برخلاف طبع به زیتون نیکو پیوند گشتی، به چند مرتبه زیادت‌ر آنانی که طبیعی‌اند در زیتون خویش پیوند خواهند شد.

۲۵ زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما از این سر بی‌خبر باشید که مبادا خود را دانا انگارید که مادامی که پری‌امت‌ها درنیاید، سخت‌دلی بر بعضی از اسرائیل قرار گرفته است. ۲۶ و همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت، چنانکه مکتوب است که «از صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر خواهد شد و بی‌دینی را از یعقوب خواهد برداشت؛ ۲۷ و این است عهد من با ایشان در زمانی که گنا‌نشان را بردارم.» ۲۸ نظر به انجیل برای شما دشمنان‌اند، اما نظر به اختیار به‌خاطر اجداد محبوبند. ۲۹ زیرا که نعمتها و دعوت خدا غیر قابل فسخ است. ۳۰ زیرا همچنان که شما در سابق مطیع خدا نبودید و الاًن به سبب نافرمانی ایشان رحمت یافتید، ۳۱ همچنین ایشان نیز الاًن نافرمان شدند تا برای رحمتی که بر شما است بر ایشان نیز رحم شود ۳۲ زیرا خدا همه را در نافرمانی بسته است تا بر همه رحم فرماید.

۳۳ زهی عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا!

۷ پس مقصود چیست؟ اینکه اسرائیل آنچه را که می‌طلبد نیافته است، اما برگزیدگان یافتند و باقی ماندگان سخت‌دل گردیدند؛ ۸ چنانکه مکتوب است که «خدا بدیشان روح خواب آلود داد چشمانی که نبیند و گوشهایی که نشنود تا امروز.» ۹ و داود می‌گوید که «مائده ایشان برای ایشان تله و دام و سنگ مصادم و عقوبت باد؛ ۱۰ چشمان ایشان تار شود تا نبینند و پشت ایشان را دائماً خم گردان.»

۱۱ پس می‌گویم آیا لغزش خوردند تا بیفتند؟ حاشا! بلکه از لغزش ایشان نجات به امت‌ها رسید تا در ایشان غیرت پدید آورد. ۱۲ پس چون لغزش ایشان دولتمندی جهان گردید و نقصان ایشان دولتمندی امت‌ها، به چند مرتبه زیادت‌ر پُری ایشان خواهد بود. ۱۳ زیرا به شما ای امت‌ها سخن می‌گویم. پس از این روی که رسول امت‌ها می‌باشم خدمت خود را تمجید می‌نمایم، ۱۴ تا شاید انبای جنس خود را به غیرت آورم و بعضی از ایشان را برهانم. ۱۵ زیرا اگر رد شدن ایشان، آشتی عالم شد، باز یافتن ایشان چه خواهد شد؟ جز حیات از مردگان!

۱۶ و چون نوب‌ر مقدّس است، همچنان خمیره و هرگاه ریشه مقدّس است، همچنان شاخه‌ها. ۱۷ و چون بعضی از شاخه‌ها بریده شدند و تو که زیتون بڑی بودی در آنها پیوند گشتی و در ریشه و چربی زیتون شریک شدی، ۱۸ بر شاخه‌ها فخر مکن و اگر فخر کنی تو حامل ریشه نیستی بلکه ریشه حامل تو است. ۱۹ پس می‌گویی که «شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند شوم؟» ۲۰ آفرین برای بی‌ایمانی بریده شدند و تو محض ایمان

سرور.

۹ محبت بی‌ریا باشد. از بدی نفرت کنید و به نیکویی بپیونید. ۱۰ با محبت برادرانه یکدیگر را دوست دارید و هر یک دیگری را بیشتر از خود اکرام بنماید. ۱۱ در اجتهاد کاهلی نورزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت ننمایید.

۱۲ در امید مسرور و در مصیبت صابر و در دعا استوار باشید. ۱۳ مشارکت در احتیاجات مقدّسین کنید و در مهمانداری ساعی باشید.

۱۴ برکت بطلبید بر آنانی که بر شما جفا کنند؛ برکت بطلبید و لعن نکنید. ۱۵ خوشی کنید با خوشحالان و ماتم نمایید با ماتمیان. ۱۶ برای یکدیگر همان فکر داشته باشید و در چیزهای بلند فکر نکنید بلکه با ذلیلان مدارا نمایید و خود را دانا مشمارید. ۱۷ هیچ‌کس را به عوض بدی بدی مرسانید. پیش جمیع مردم تدارک کارهای نیکو ببینید. ۱۸ اگر ممکن است به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکشید. ۱۹ ای محبوبان انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است «خداوند می‌گوید که انتقام از آن من است من جزا خواهم داد». ۲۰ پس «اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر کن و اگر تشنه است، سیرایش نما زیرا اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت». ۲۱ مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز.

هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود، زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است. ۲ حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر

چقدر غیر قابل کشف است احکام او و فوق از کاوش است طریق‌های وی! ۳۴ زیرا کیست که رأی خداوند را دانسته باشد؟ یا که مشیر او شده؟ ۳۵ یا که سبقت جسته چیزی بدو داده تا به او باز داده شود؟ ۳۶ زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است؛ و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین.

راهنمایی در خصوص زندگی

مسیحی

بنابراین ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدّس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. ۲ و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست.

۳ زیرا به آن فیضی که به من عطا شده است، هر یکی از شما را می‌گویم که فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است نکنید بلکه به اعتدال فکر نمایید، به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس قسمت فرموده است. ۴ زیرا همچنان که در یک بدن اعضای بسیار داریم و هر عضوی را یک کار نیست، ۵ همچنین ما که بسیاریم، یک جسد هستیم در مسیح، اما فرداً اعضای یکدیگر. ۶ پس چون نعمت‌های مختلف داریم به حسب فیضی که به ما داده شد، خواه نبوت بر حسب موافقت ایمان، ۷ یا خدمت در خدمت‌گزاری، یا معلّم در تعلیم، ۸ یا واعظ در موعظه، یا بخشنده به سخاوت، یا پیشوا به اجتهاد، یا رحم‌کننده به

۱۲

۱۳

رفتار کنیم چنانکه در روز، نه در بزرها و مستی‌ها و فسق و فجور و نزاع و حسد: ۱۴ بلکه عیسی مسیح خداوند را ببوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید.

پذیرفتن یکدیگر

و کسی را که در ایمان ضعیف باشد بپذیرید، اما نه برای نزاع در مباحثات. ۲ یکی ایمان دارد که همه چیز را باید خورد اما آنکه ضعیف است سبزیجات می‌خورد. ۳ پس خورنده ناخورنده را حقیر نشمارد و ناخورنده بر خورنده حکم نکند زیرا خدا او را پذیرفته است. ۴ تو کیستی که بر بنده کسی دیگر حکم می‌کنی؟ او نزد آقای خود ثابت یا ساقط می‌شود. اما استوار خواهد شد زیرا خدا قادر است که او را ثابت نماید.

۵ یکی یک روز را از دیگری بهتر می‌داند و دیگری هر روز را برابر می‌شمارد. پس هر کس در ذهن خود متقاعد نشود. ۶ آنکه روز را عزیز می‌داند به خاطر خداوند عزیزش می‌دارد و آنکه روز را عزیز نمی‌داند هم برای خداوند نمی‌دارد؛ و هر که می‌خورد برای خداوند می‌خورد زیرا خدا را شکر می‌گوید، و آنکه نمی‌خورد برای خداوند نمی‌خورد و خدا را شکر می‌گوید. ۷ زیرا احدی از ما به خود زیست نمی‌کند و هیچ کس به خود نمی‌میرد. ۸ زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می‌کنیم و اگر بمیریم برای خداوند می‌میریم. پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم. ۹ زیرا برای همین مسیح مرد و زنده گشت تا بر زندگان و مردگان سلطنت کند.

که مقاومت کند، حکم بر خود آورد. ۳ زیرا از حکام عمل نیکو را ترسی نیست بلکه عمل بد را. پس اگر می‌خواهی که از آن قدرت ترسان نشوی، نیکویی کن که از او تحسین خواهی یافت. ۴ زیرا خادم خداست برای تو به نیکویی؛ اما هرگاه بدی کنی، بترس چونکه شمشیر را عبث برنمی‌دارد، زیرا او خادم خداست و با غضب انتقام از بدکاران می‌کشد. ۵ بنابراین لازم است که مطیع او شوی نه به سبب غضب فقط بلکه به سبب ضمیر خود نیز. ۶ زیرا که به این سبب باج نیز می‌دهید، چونکه خدام خدا و مواظب در همین امر هستند. ۷ پس حق هر کس را به او ادا کنید، باج را به مستحق باج و جزیه را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت.

۸ مدیون احدی به چیزی مشوید جز به محبت نمودن با یکدیگر، زیرا کسی که دیگری را محبت نماید، شریعت را به جا آورده باشد. ۹ زیرا «که زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع مورز» و هر حکمی دیگر که هست، همه شامل است در این کلام که «همسایه خود را چون خود محبت نما.» ۱۰ محبت به همسایه خود بدی نمی‌کند پس محبت تکمیل شریعت است.

۱۱ و خصوصاً چون وقت را می‌دانید که اکنون ساعت رسیده است که ما را باید از خواب بیدار شویم زیرا که الآن نجات ما نزدیکتر است از آن وقتی که ایمان آوردیم. ۱۲ شب منقضی شد و روز نزدیک آمد. پس اعمال تاریکی را بیرون کرده، اسلحه نور را بپوشیم. ۱۳ و با شایستگی

شک دارد اگر بخورد ملزم می‌شود، زیرا به ایمان نمی‌خورد؛ و هر چه از ایمان نیست گناه است.

و ما که توانا هستیم، ضعفهای ناتوانان را متحمل بشویم و خوشی خود را طالب نباشیم.^۲ هر یکی از ما همسایه خود را خوش بسازد در آنچه برای بنا نیکو است.^۳ زیرا مسیح نیز خوشی خود را طالب نمی‌بود، بلکه چنانکه مکتوب است «ملاّمتهای ملاّمّت کنندگان تو بر من قرار گرفت.»^۴ زیرا همه چیزهایی که از قبل مکتوب شد، برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلّی کتاب امیدوار باشیم.

^۵ الآن خدای صبر و تسلّی شما را فیض عطا کند تا موافق مسیح عیسی با یکدیگر یک‌رأی باشید.^۶ تا یکدل و یک‌زبان شده، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را تمجید نمایید.

^۷ پس یکدیگر را بپذیرید، چنانکه مسیح نیز ما را پذیرفت برای جلال خدا.^۸ زیرا می‌گویم عیسی مسیح خادم ختنه‌گردید برای راستی خدا تا وعده‌های اجداد را ثابت گرداند،^۹ و تا امت‌ها خدا را تمجید نمایند به سبب رحمت او چنانکه مکتوب است که «از این جهت تو را در میان امت‌ها اقرار خواهم کرد و به نام تو تسبیح خواهم خواند.»^{۱۰} و نیز می‌گوید ای امت‌ها با قوم او شادمان شوید.^{۱۱} و همچنین «ای جمیع امت‌ها خداوند را حمد گوید و ای تمامی قومها او را مدح نمایند.»^{۱۲} و اشعیا نیز می‌گوید که «ریشه یَسّا خواهد بود و آنکه برای حکمرانی امت‌ها مبعوث شود، امید امت‌ها بر وی خواهد بود.»

^{۱۱} اما تو چرا بر برادر خود حکم می‌کنی؟ یا تو نیز چرا برادر خود را حقیر می‌شماری؟ زانرو که همه پیش مسند مسیح حاضر خواهیم شد.^{۱۱} زیرا مکتوب است خداوند می‌گوید به حیات خودم قسم که هر زانویی نزد من خم خواهد شد و هر زبانی به خدا اقرار خواهد نمود.^{۱۲} پس هر یکی از ما حساب خود را به خدا خواهد داد.

^{۱۳} بنا براین بر یکدیگر حکم نکنیم بلکه حکم کنید به اینکه کسی سنگی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود ننهد.^{۱۴} می‌دانم و در عیسی خداوند یقین می‌دارم که هیچ چیز در ذات خود نجس نیست جز برای آن کسی که آن را نجس پندارد؛ برای او نجس است.^{۱۵} زیرا هرگاه برادرت به خوراک آزرده شود، دیگر به محبت رفتار نمی‌کنی. به خوراک خود هلاک مساز کسی را که مسیح در راه او بمرد.^{۱۶} پس مگذارید که نیکویی شما را بد گویند.^{۱۷} زیرا ملکوت خدا خوردن و نوشیدن نیست بلکه عدالت و صلح و خوشی در روح القدس.^{۱۸} زیرا هر که در این امور خدمت مسیح را کند، پسندیده خدا و مقبول مردم است.^{۱۹} پس آن اموری را که منشأ صلح و بنای یکدیگر است پیروی نمایید.

^{۲۰} برای خوراک کار خدا را خراب مساز. البتّه همه چیز پاک است، اما بد است برای آن شخص که برای لغزش می‌خورد.^{۲۱} گوشت نخوردن و شراب نوشیدن و کاری نکردن که باعث آزار یا لغزش یا ضعف برادرت باشد نیکو است.^{۲۲} آیا تو ایمان داری؟ پس برای خودت در حضور خدا آن را بدار، زیرا برکت می‌گیرد کسی که بر خود حکم نکند در آنچه نیکو می‌شمارد.^{۲۳} اما آنکه

کنم، به نزد شما خواهم آمد زیرا امیدوار هستم که شما را در عبور ملاقات کنم و شما مرا به آن سوی مشایعت نمایید، بعد از آنکه از ملاقات شما اندکی سیر شوم. ۲۵ اما الآن عازم اورشلیم هستم تا مقدّسین را خدمت کنم. ۲۶ زیرا که اهل مقدونیه و اخائیّه مصلحت دیدند که هدیه‌ای برای فقیران مقدّسین در اورشلیم بفرستند، ۲۷ بدین رضا دادند و بدرستی که مدیون ایشان هستند زیرا که چون امت‌ها از روحانیات ایشان بهره‌مند گردیدند، لازم شد که در جسمانیات نیز خدمت ایشان را بکنند. ۲۸ پس چون این را انجام دهم و این ثمر را نزد ایشان ختم کنم، از راه شما به اسپانیا خواهم آمد. ۲۹ و می‌دانم وقتی که به نزد شما آیم، در کمال برکت انجیل مسیح خواهم آمد.

۳۰ اما ای برادران، از شما التماس دارم که به خاطر خداوند ما عیسی مسیح و به محبت روح [القدس]، برای من نزد خدا در دعاها سعی و کوشش کنید، ۳۱ تا از نافرمانان یهودیه رستگار شوم و خدمت من در اورشلیم مقبول مقدّسین افتد، ۳۲ تا بحسب اراده خدا با خوشی نزد شما برسم و با شما استراحت یابم. ۳۳ و خدای صلح با همه شما باد، آمین.

تحتیات

و خواهر ما فیبی را که خادمه کلیسای در کنخَرِیا است، به شما می‌سپارم ۱۶
۲ تا او را در خداوند بطور شایسته مقدّسین بپذیرید و در هر چیزی که به شما محتاج باشد او را کمک کنید، زیرا که او بسیاری را و خود مرا

۱۳ الآن خدای امید، شما را از کمال خوشی و صلح در ایمان پر سازد تا به قوت روح القدس در امید افزوده گردید.

قصد پولس برای رفتن به روم

۱۴ اما ای برادران من، خود نیز درباره شما یقین می‌دانم که خود از نیکویی مملو و پراز کمال معرفت و قادر بر نصیحت نمودن یکدیگر هستید. ۱۵ اما ای برادران بسیار جسارت ورزیده، من خود نیز به شما جزئی نوشتم تا شما را یادآوری نمایم به سبب آن فضی که خدا به من بخشیده است، ۱۶ تا خادم عیسی مسیح شوم برای امت‌ها و کهانت انجیل خدا را به جا آورم تا هدیه امت‌ها مقبول افتد، مقدّس شده به روح القدس. ۱۷ پس به مسیح عیسی در کارهای خدا فخر دارم. ۱۸ زیرا جرأت نمی‌کنم که سخنی بگویم جز در آن اموری که مسیح به واسطه من به عمل آورد، برای اطاعت امت‌ها در قول و فعل، ۱۹ به قوت آیات و معجزات و به قوت روح خدا. به حدی که از اورشلیم دور زده تا به آلیرگون بشارت مسیح را تکمیل نمودم. ۲۰ اما حریص بودم که بشارت چنان بدهم، نه در جایی که اسم مسیح شهرت یافته بود، مبادا بر بنیاد گیری بنا نمایم. ۲۱ بلکه چنانکه مکتوب است «آنانی که خبر او را نیافتند، خواهند دید و کسانی که نشنیدند، خواهند فهمید.» ۲۲ بنابراین بارها از آمدن نزد شما ممنوع شدم.

۲۳ اما چون الآن مرا در این ممالک دیگر جایی نیست و سالهای بسیار است که مشتاق آمدن نزد شما بوده‌ام، ۲۴ هرگاه به اسپانیا سفر

نیز معاونت می نمود.

۱۷ اما ای برادران از شما استدعا می کنم آن کسانی را که منشأ جدایی و لغزشهای مخالف آن تعلیمی که شما یافته اید می باشند، ملاحظه کنید و از ایشان اجتناب نمایید. ۱۸ زیرا که چنین اشخاص خداوند ما عیسی مسیح را خدمت نمی کنند بلکه شکم خود را و به الفاظ نیکو و سخنان شیرین دلهای ساده دلان را می فریبند. ۱۹ زیرا که اطاعت شما در جمیع مردم شهرت یافته است. پس درباره شما مسرور شدم. اما آرزوی این دارم که در نیکویی دانا و در بدی ساده دل باشید.

۲۰ و خدای صلح بزودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید.

فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد
 ۲۱ تیموتائوس همکار من و لوقا و یاسون و سوسیپاتروس که خویشان منند شما را سلام می فرستند. ۲۲ من طرتیوس، کاتب رساله، شما را در خداوند سلام می گویم. ۲۳ قایوس که مرا و تمام کلیسا را میزبان است، شما را سلام می فرستد. و آرسطس خزینه دار شهر و گوارطس برادر به شما سلام می فرستند. ۲۴ [فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد. آمین.] ۲۵ الان او را که قادر است که شما را استوار سازد، برحسب بشارت من و موعظه عیسی مسیح، مطابق کشف آن سرّی که از زمانهای ازلی مخفی بود، ۲۶ اما در حال مکشوف شد و به وسیله کتب انبیا برحسب فرموده خدای سرمدی به جمیع امتها برای اطاعت ایمان آشکارا گردید، ۲۷ خدای حکیم و حید را بوسیله عیسی مسیح تا ابدالابد جلال باد، آمین.

۳ سلام برسانید به پرسکلا و آکیلا، همکاران من در مسیح عیسی ۴ که در راه جان من گردنهای خود را نهادند و نه من به تنهایی ممنون ایشان هستم، بلکه همه کلیساهای امتها. ۵ کلیسا را که در خانه ایشان است و حبیب من اپینطس را که برای مسیح نوبر آسیاست سلام رسانید. ۶ و مریم را که برای شما زحمت بسیار کشید، سلام گوید. ۷ و آندرونیکوس و یونیا س خویشان مرا که با من اسیر می بودند سلام نمایید که مشهور در میان رسولان هستند و قبل از من در مسیح شدند. ۸ و اَمپلیاس را که در خداوند حبیب من است، سلام رسانید. ۹ و اوربانوس که با ما در کار مسیح رفیق است و استاخیس حبیب مرا سلام نمایید. ۱۰ و آپلیس آزموده شده در مسیح را سلام برسانید و اهل خانه آرسنبولس را سلام برسانید. ۱۱ و خویش من هیرودیون را سلام دهید و آنانی را از اهل خانه نرگئوس که در خداوند هستند سلام رسانید. ۱۲ طریقیئا و طریفوسا را که در خداوند زحمت کشیده اند سلام گوید؛ و پرسیس محبوبه را که در خداوند زحمت بسیار کشید سلام دهید. ۱۳ و رؤس برگزیده در خداوند و مادر او و مرا سلام بگوید. ۱۴ آسنکریطس را و فلیکون و هرّماس و پطروپاس و هرّمیس و برادرانی که با ایشانند سلام نمایید. ۱۵ فیلولگس را و جولیه و نیریاس و خواهرش و اولمپاس و همه مقدّسانی که با ایشانند سلام برسانید. ۱۶ و یکدیگر را به بوسه مقدّسانه سلام نمایید. و جمیع کلیساهای مسیح شما را سلام می فرستند.